

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در مورد حجیت ظاهر قرآن بود؛ آیا می شود به ظاهر قرآن تمسک کرد یا نه؟

دو اندیشه در بحث وجود داشت؛

1: اندیشه منسوب به اخباری ها: عدم جواز تمسک به ظاهر قرآن.

2: اندیشه منسوب به اصولیین: جواز تمسک.

الان نوبت رسیده است به مرحله تحقیق: در این مرحله ابتدا باید یک بار دیگر به سراغ اخباری ها برویم.

مرحوم آقای معرفت می فرمود اینکه می گویند اخباری ها به ظاهر قرآن عمل نمی کنند این یک تهمت است؛ یا مرحوم شیخ

انصاری ها می فرمود اختلاف اخباری ها صغروی است یعنی اصلاً ظهوری نیست نه اینکه ظهوری هست اما حجت نیست.

اول کسی که باب این بحث را باز کرد و این شبهه را انداخت مرحوم محمد امین استرآبادی است که صاحب کتاب فوائد

المدنیه است؛ ایشان اخباری تندی است. نکته: اخباری گری دو دوره است:

1: دوران شیخ صدوق و پدرش و... که آن دوران را حدیث گرایی گویند و معمولاً به اخباری گری یاد نمی شود.

2: دوران محمد امین استرآبادی او آخر قرن 10 است این دوره را دوران اخبارگری گویند.

مرحوم استرآبادی در الفوائد المدنیه می فرماید الفصل الثانی: فی بیان انحصار مدرک ما لیس من ضروریات الدین من المسائل

الشرعیه اصلیتاً کانت او فرعیه فی استماع عن الصادقین.

ایشان می فرماید: در غیر ضروریات دین، مدرک منحصر است در سماع از صادقین؛ نه صحبت از عقل است نه اجماع.

مرحوم آقای استرآبادی دلیل انحصار را اینگونه بیان می کند: و لی فیه ادله...

دلیل اول: ما اگر به کلمات عترت تمسک کنیم خیالمان راحت است که به حجت تمسک کرده ایم اما در مورد قیاس و

استحسان، قرآن و اجماع و... ما یقین به حجیت نداریم. ایشان این تعبیر را نداشته اما ما گوییم: می شود اینگونه گفت که شک

در حجیت مساوی با یقین به عدم حجیت است.

از جمله ادله ای که مرحوم استرآبادی تاکید دارد حدیث ثقلین است، می فرماید حدیث ثقلین سنداً و دلالتاً قطعی است و

حضرت می فرماید: قرآن و عترت از هم جدا نمی شوند تا زمانی که بر حوض وارد شوند؛ تمسک به قرآن بدون عترت یا

بالعکس افتراق محسوب می شود. این در حالی است که نبی مکرم به عدم افتراق تاکید داشته اند.

دلیل دیگری که ذکر می کند: اگر ما باب غیرسنت را باز کنیم منجر می شود به اختلاف در فتاوی، اما اگر باب سنت باز شود

این اختلاف کم می شود. دلیل دیگر: لا يجوز الاعتماد علی الدلیل الظنی... و در روایات فقط قطع به سند و دلالت داریم اما در

غیر روایات این امتیاز وجود ندارد.

کلام استرآبادی ادامه دارد اما در جایی دیگر این بحث را ادامه می دهد و در آنجا یک بحثی را باز می کند به نام وجوه

استحسانیه؛ و بحث قرآن را مطرح می کند.

ایشان تحت استنباطات ظنیه اینها را می شمارد:

تمسک به اجماع، قیاس، استنباط احکام از ظواهر قرآن، استنباط احکام از سنت پیامبر، تمسک به برائت عقلیه، استصحاب

حکم شرعی، استصحاب نفی حکم شرعی، مصالح مرسله (مراد این است: اگر در شرع مقدس نسبت به یک مصلحت خاص،

دلیلی نداریم که آن را شارع امضا کرده باشد اما وقتی نگاه می کنیم، می بینیم شبه این مصلحت را شارع امضا کرده است)

استحسان (یعنی خروج از قاعده، یعنی ما قاعده ای داریم اما در یکجا از قاعده خارج می شویم)  
استاد علیدوست: ما در کلام ایشان فقط کار با استنباط احکام از ظواهر قرآن داریم؛ ایشان می فرمایند نمی شود به ظواهر قرآن  
تمسک کرد همچنین به ظاهر سنت هم عمل نمی کنند.  
در کفایه و رسائل می فرمایند: اخباری ها بین ظواهر قرآن و غیر قرآن فرق گذاشته اند در حالی که استرآبادی فرق نگذاشت.  
**الحمد لله رب العالمین**